

«حافظ» دل خوشی از عقل ندارد!

۵ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۰۶

حافظ معتقد است که «حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است»؛ عشق پادشاهی بزرگ و محتشم است و عقل شحنه‌ای فرودسته آن هم شحنه‌ای معزول!

محمدرضا ترکی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در وبلاگ شخصی خود با عنوان فصل فاصله آورده است: ما را به منع عقل مترسان و می بیار/ کآن شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست در مورد مفهوم بیت لسان الغیب شیرازی نکاتی هست که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

سخن حافظ یادآور این بیت جناب سعدی است که فرمود: حدیث عقل در ایام پادشاهی عشق/ چنان شده‌ست که فرمان عامل معزول، حافظ گویا تشبیه عقل به شحنه و محتسب را از مولوی گرفته و آموخته است:

عقل چون شحنه ست چون سلطان رسید

شحنه بیچاره در کنجی خزید

شحنه عقل اگر مالش دزدان ندهد

شحنه را هم بکشانید و به سلطان آرید

حافظ معتقد است که «حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است»؛ عشق پادشاهی بزرگ و محتشم است و عقل شحنه‌ای فرودسته آن هم شحنه‌ای معزول!

تشبیه عقل به شحنه در شعر حافظ نشان می‌دهد وی دل خوشی از عقل ندارد؛ چرا که شحنه و محتسب از شخصیت‌های خواستنی و خوشنام شعر حافظ به شمار نمی‌آیند؛ تشبیه عقل به شحنه هیچ کاره حاوی نکته‌ای معرفت‌شناسانه نیز هست که

توضیح اینکه عقل دارای حیثیات و مراتبی است از قبیل عقل نظری، عملی و عقل معاش و معاد و عقل ظاهری و باطنی و عقل هیولانی و عقل جزئی و عقل کلی و عقل حسابگر عدداندیش و عقل رحمانی و ایمانی به نظر می‌رسد که خواجه با تشبیه عقل به شحنه با ظرافت تمام به مرتبه‌ای از مراتب عقل که همانا عقل مصلحت‌اندیش و جزئی‌نگر و شحنه‌وش است اشاره دارد.

یعنی آن مرتبه‌ای از عقل که همچون محتسب و شحنه به «امر و نهی» و «بکن و نکن» مشغول است و از سر ظاهرینی و مصلحت‌اندیشی شوریدگی‌های عاشقانه را بر نمی‌تابد؛ یعنی بخشی از عقل عملی و نه مطلق عقل که شامل عقل نظری نیز می‌شود!

هیچ‌کاره دانستن شحنه عقل نیز به بی‌اعتباری احکام، یعنی امر و نهی‌های مصلحت‌اندیشانه و جزئی‌نگرانه او اشاره دارد؛ نه به بی‌اعتباری احکام عقلی به معنی عام.

به استناد این بیت حافظ و ابیاتی که از سعدی و مولوی آوردیم نمی‌توان مهر خردستیزی بر پیشانی این بزرگان زد و تلاش شگفت‌آنان را در عرصه خردورزی که از آثار آنان هویداست، نادیده گرفت و به دلیل تأکید آنان بر عشق در کنار عقل آنان را ضد عقل پنداشت.

اگر بنا باشد هر کس را که برای عشق در کنار عقل ارج و اعتباری قائل است عقل ستیز بپنداریم باید همه فیلسوفان عالم را خردستیز به شمار آوریم، چرا که اساساً واژه فلسفه از «فیلاسوفیا» گرفته شده است که به معنی «دوستدار حقیقت» و «محب الحکمه» است، و هر که خود را فیلسوف و دوستدار حکمت و حقیقت می‌نامد، به ناچار بر اصل «دوست داشتن» و عشق در کنار خرد و حقیقت اقرار آورده است

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۰۴۲/حافظ-دا-خوش-دا-حافظ/>